

همراه با شبکه افق در ماه مبارک رمضان



شبکه افق برای ماه مبارک رمضان چندین ویژه‌نامه تلویزیونی و ترکیبی تدارک دیده است که یکی از مهم‌ترین این برنامه‌ها پخش سریال پر مخاطب «وضعیت سفید» است. به گزارش تسنیم، شبکه «افق» در ایام ماه مبارک رمضان با تغییراتی در کنساکتور پخش به میهمانی این ماه عزیز رفته و ۱۸ عنوان برنامه با حال و هوای ماه مبارک رمضان برای پخش از این شبکه آماده شده که شامل سریال، فیلم سینمایی، برنامه‌های تلویزیونی و ترکیبی خواهد بود. «قرار» نیز که چندی است به عنوان برنامه‌های آنان گاهی از شبکه افق روی آنتن می‌رود در ماه رمضان ادامه می‌یابد. در حوزه مستند اما شبکه «افق» بنا به رسالت خود برنامه‌های بیشتری را در نظر گرفته که از آن جمله می‌توان به «عکس بر عکس» کاری از صادق داوری‌فر با موضوع زندگی شیخ راشد یزدی، «کوچه نقاش‌ها» به تهیه‌کنندگی مهدی مطهر با موضوع زندگی و تحولات روحی سیدابوالفضل کاظمی فرمانده گردان میثم در دوران دفاع مقدس، «پرچین راز» درباره شخصیت جورج جرداق، ادیب مسیحی و نویسنده کتابی درباره امام علی (ع)، مستند «ده چهار و نیم، سه و نیم» محصول راسخ فیلم با موضوع اهدای کلیه توسط یک روحانی به کودکی نیازمند و «جعفر گونزالس» کاری از مرکز مستند حقیقت درباره زندگی شخصی به نام جعفر (رائول) گونزالس اسپانیایی اشاره کرد. به علاوه اینکه مستندهای «زدیک‌تر از زدیک»، «عباس دیپالما»، «آن کتاب»، «۳۰ سال زندگی با ۱۰۰ بند»، «کشف اسلام» در ۱۰ قسمت و «سفیران هدایت» در ۱۳ قسمت هم از این شبکه پخش خواهد شد. همچنین مستندهای کوتاه «قطاربه» در ۳۰ قسمت، کاری از امیرحسین نوروزی هم برای پخش از شبکه افق در نظر گرفته شده که موضوع آن تبریک حلول ماه رمضان از زبان خانواده شهدا و پرداخت به زندگی شهداست. «کدبانو» هم عنوان برنامه‌ای ترکیبی است که در ماه رمضان از این شبکه پخش می‌شود و به نمایش سبک زندگی دینی بانوان مسلمان خارجی مقیم ایران و آموزش غذاهای مناسب در ماه رمضان می‌پردازد.

نوای ارکستر سمفونیک تهران به یاد ۱۷۵ شهید غواص

به مهم‌ترین بخش اجراهای ارکستر سمفونیک تهران در شب‌های گذشته ناوختن قطعه‌ای به یاد ۱۷۵ شهید غواص بود. به گزارش تسنیم، ارکستر سمفونیک تهران روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۲۷ و ۲۸ خرداد ۱۳۹۴ کنسرتی را در تالار وحدت روی صحنه برد که سولست آن ماریان لاپاشانسکی بود. ارکستر سمفونیک تهران در این اجراها قطعه‌هایی از گریگ پرگینت و چایکوفسکی را نواخت و مهم‌ترین بخش این اجراها نواختن قطعه‌ای به یاد ۱۷۵ شهید غواص بود. علی رهبری، رهبر و مدیر هنری ارکستر سمفونیک تهران که به تازگی پسرش را بر اثر ابتلا به سرطان از دست داده است، پیش از اجرای این قطعه گفت: پسر من وقتی به دنیا آمد که آنها شهید شدند ما قطعه‌ای را می‌نوازیم که برای درگذشتگان است و آن را به شهدایی که این روزها برایشان عزاداری می‌شود، تقدیم می‌کنیم.

آخرین جزئیات از جشن رمضان ۹۴

«گره‌های بزرگ» به عنوان سوزه اصلی برنامه «جشن رمضان ۹۴» انتخاب شد. به گزارش فارس، «جشن رمضان» به عنوان یکی از سابقه‌ترین برنامه‌های مناسبتی ماه مبارک رمضان صدا و سیما، در ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴ نوزدهمین دوره خود را به همت گروه اقتصاد و خانواده شبکه تهران برگزار می‌کند. این جشن بزرگ که مانند سال‌های گذشته با مشارکت و حضور گسترده مردم و با محوریت امور خیریه و نیکوکاری برگزار خواهد شد، در ادامه برنامه سال گذشته خود، امسال نیز در نظر دارد با حضور هنرمندان، ورزشکاران و سایر چهره‌های سرشناس در حال و هوای ماه رمضان با مردم همراه شده و علاوه بر برگزاری یک جنگ شاد و مفرح شبانه، وارد عرصه نیکوکاری شده و گره‌هایی از زندگی نیازمندان و مستمندان بگشاید. بر اساس این گزارش، جشن رمضان ۹۴ از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰ روی آنتن شبکه تهران می‌رود و محل برگزاری جشن امسال نیز تالار شهید اویسی فرهنگسرای بهمن واقع در میدان بهمن است.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با پیمان حقانی، نویسنده و کارگردان فیلم «۳۱۶»

به جشنواره‌های خارجی باج نمی‌دهم

عکس: ابراهیم حیدری، وطن امروز

اختیار ما گذاشتند. **■ این روزها فیلم «هننگ عنبر» با ادعای ایجاد فضای نوستالژیک با سطحی‌ترین نگاه، دورانی متوالی را نشان می‌دهد و فیلم «۳۱۶» بدون وجود ابزارهایی مانند چهره و تبلیغات ثابت می‌کند حتی از طریق باها هم می‌توان به پرداخت مناسبی از شخصیت رسید. به نظر تان با این وجود، چرا موقعیت این فیلم‌ها در اکران این همه فاصله دارد؟** قیاس قشنگی است. در فیلم «۳۱۶» یکی از مهم‌ترین دستاوردهای من این بود که بدون هرگونه سطحی‌نگری، فیلمی ساخته که با هر قشری ارتباط برقرار کرده و هر کسی تا به حال دیده با رضایت از سالن سینما خارج شده است. من در برخی اکران‌های فیلم دیدم که تماشاگران خانم دارند با صدای بلند گریه می‌کنند، یعنی شدت تحت تاثیر صحنه دفاع مقدس قرار گرفتند، با این وجود متأسفم از اینکه مسوولان طوری رفتار می‌کنند که فیلم‌هایی مانند «۳۱۶» مهجور می‌مانند. من نمی‌گویم که همه چیز مغرضانه است بلکه سیاست‌گذاری‌های ناگهانه باعث شده اینچنین شود.

■ و این نوع تمایز آشکار در عرضه فیلم‌ها باعث می‌شود فیلم‌های نازل به تولید بیشتری برسند. همین‌طور می‌شود که یا باید فیلم‌های سطحی ساخت یا فیلم‌های جشنواره‌پسند اما من دلم در این مملکت است و به هیچ‌وجه به جشنواره‌های خارجی باج نخواهم داد. متأسفانه شرایط سینمای ما برای همه یکسان نیست. باز خدا را شکر که برای فیلم‌هایی مانند «۳۱۶» که دستش به هیچ جایی بند نیست، گروه هنر و تجربه ایجاد شده است. من با فیلم‌های دیگر مشکلی ندارم، حرف من این است که چرا برخی فکر می‌کنند خودشان همه چیز را می‌دانند و به فیلم ما می‌گویند مخاطبی ندارد، چرا فکر می‌کنیم مردم ما چیزی نمی‌دانند؟ در صورتی که آدم‌های معمولی فیلم من را بهتر می‌فهمند من مطمئن هستم که اگر فیلم «۳۱۶» هم چندین سینما و تبلیغات مناسب داشت، میلیاردهای می‌شد.

■ به نظر تان با توجه به استقبالی که از فیلم ارزنده «در دنیای تو ساعت چند است؟» و برخی فیلم‌های تجربی صورت گرفته، می‌توان به شرایطی بهتر برای تولید آثاری ارزنده دل خوش بود؟ شاید نگاه تهیه‌کننده‌ها بهتر شود اما تا وقتی افراد باانش وجود نداشته باشند، این مشکلات باقی است. شما نگاهی به آثار بزرگ سینمای جهان داشته باشید که چه تهیه‌کنندگانی دارند و ما چه تعداد تهیه‌کننده داریم که شناخت از تصویر، روایت، داستان و فرم داشته باشند؟ این گفته‌ها شاید برای من گران تمام شود، اما باید عنوان کرد.

■ گروه هنر و تجربه» با همه فضای متفاوتی که در اکران ایجاد کرده، این همه طرف‌مورد هجوم رسانه‌ای قرار گرفته و از آن با عنوانی مانند سینمای نفتی و دولتی یاد می‌شود! شما چه تصویری دارید؟ به نظرم در این شرایطی که حاکم است، هنر و تجربه یک پدیده به شمار می‌آید و این ایده جای تبریک دارد. من واقعا از افرادی که در سایت خود از عنوان نفتی و دولتی برای این سینما استفاده کرده و مقابل هنر و تجربه قرار می‌گیرند، تعجب می‌کنم! کجای سینمای ما قابل مقایسه با سینمای جهان است که چنین برخوردی می‌کنیم؟ سینمای آمریکا وقتی فیلمی تجاری هم بخواهد بسازد، آن را به بهترین وجه انجام می‌دهد و در ساخت فیلم هنری هم در بهترین شرایط قرار می‌گیرد. هر وقت ما امکانات سینمای دنیا را داشتیم، این آقایان چنین مقایسه‌های انجام دهند. اگر دولت از این سینما حمایت نکند، همین ۴ سالن هم به ما نمی‌رسد. هنر و تجربه بسیار مفید است و تنها باید دقت بیشتری برای انتخاب فیلم‌ها کرده و در بخش تبلیغات و اطلاع‌رسانی هم فعال‌تر باشد، چرا که هنوز خیلی‌ها از این طرح آگاه نیستند.

کاری عجیب بود و صادقانه بگویم تا زمانی که رات کافها آمد هم باورم نمی‌شد فیلمی از آن حاصل شود، چرا که واقعا کار پیچیده‌ای بابت پیوستگی و هارمونی تصاویر محسوب شده و هنر خالص صغی یاری در این زمینه استثنایی بود. **■ با توجه به محدودیت در فرم روایت، با فیلمنامه و اجرای دشواری هم روبه‌رو بودید.** همان موقع که در حال نگارش فیلمنامه بودم، می‌دانستم با یکی از عجیب‌ترین فیلم‌ها مواجه خواهم شد. حتی حمیدرضا کشانی به من گفت فقط در حد فیلم کوتاه می‌توانیم! ما اصلا به آن شکل کلاسیک و مرسوم، فیلمنامه‌ای برای کار نداشتیم و در واقع با یک داستان کوتاه ۳۰ صفحه‌ای مواجه بودیم و برای همین خیلی در اجرا سختی کشیدیم البته همه چیز طبق برنامه بود اما به دلیل شرایط خاصی که در فرم روایت وجود داشت، نمی‌توانستیم با فیلمنامه‌ای کامل سر صحنه حضور داشته باشیم بنابراین در اجرا سعی کردیم به تصویرسازی برسیم و در تدوین به هارمونی منسجم و درستی دست پیدا کنیم.

■ در فیلم «مردی که گیلان‌هاش را خورد» هم سکانسی را متمرکز بر دست‌ها کردید، این علاقه برای نمایش دست‌ها و پاها از کجا می‌آید؟ دست‌ها ترکیب زیبایی‌شناسی خوبی ایجاد می‌کند و من عاشق دست‌ها هستم. دلیل اصلی‌اش نمی‌دانم چیست؟ شاید به خاطر اینکه برسون هم اینگونه بود. در فیلم اول دست‌ها و انگشتان خیلی مهم بود و در فیلم «۳۱۶» با توجه به ایده روایت، پاها مهم شدند و اجرا جدیدی برای فیلم آیدم دارم که ترکیبی از آنهاست.

■ شما در «۳۱۶» با توجه به نور مکمل و زاویه دوربین به تصویرهای متمایزی در عدم نمایش چهره‌ها رسیدید اما گاه به تکرار برخی نشانه‌ها مانند آدماس بادکنکی دختر می‌رسیم! آدماس جویدن جزئی از شخصیت دختر بوده که بعدها هم ادامه داشت، می‌خواستیم بگویم حتی با توجه به بزرگ شدن، بخشی از رفتارهای گذشته در او وجود دارد و هدفم از این مساله پوشش دادن چهره‌اش نبود، چرا که می‌توانستیم از راهی دیگر مثلا نمایش از پشت‌سر هم این کار را انجام دهیم.

■ ریتم فیلم و روایت سرخوشانه آن در راستای جذب مخاطب بوده است اما به نظرم مهم‌ترین ویژگی «۳۱۶» روایت صادقانه آن است. ما برای اینکه از نگاه‌های سیاسی دور شویم و نگاهی تازه در روایت داشته باشیم، برای اولین بار انقلاب و جنگ را از دید یک دختر بچه نشان دادیم. به هر حال برای ما مساله دفاع مقدس دارای ارزش بود و سعی کردیم صادقانه مسائل را بازگو کنیم.

■ اما می‌توانستید از نشانه‌های بصری بیشتری مانند اشیاء در تداوم حسن نوستالژیک استفاده کنید ما سعی کردیم در بخش‌های صدا، تصویر و اشیا که حسن نوستالژیک می‌سازد، نشانه‌هایی در فیلم بگذاریم. شاید در برخی موارد می‌توانستیم کارهای بیشتری انجام دهیم، مثلا یکی از کارهایی که می‌خواستیم انجام دهیم و صورت نگرفت، صدای اعلام آژیر خطر در دوران جنگ بود که چون برخی دوستان به من گفتند این صدا برایشان تداعی‌گر خاطرات ناگواری است، از آن چشمپوشی کردم، البته در موسیقی فیلم بخشی از این صدا را می‌شنویم. محدودیت‌های مالی هم برای ساخت فیلم داشتیم که باعث شد حتی دوربین و ماشین خود را بفروشم!

■ البته مستندهای درجه یک و نابیی از دوران انقلاب و دفاع مقدس را در این فیلم می‌بینیم. ما برای اولین بار از تصاویر آقای کامران شیردل که تا به حال در هیچ جایی پخش نشده بود، استفاده کردیم و ایشان این فیلم‌های مستند را در

را پیاده کنیم، برای مثال دوست داشتم از داستان قلب احساس مخاطب دارد، سرگذشت زنی در یک بازه زمانی طولانی که با فرم روایی متفاوتی در سینمای تجربی ایران شکل گرفته است. برای آشنایی بیشتر با این اثر، اولین گفت‌وگوی شکل یافته پیمان حقانی، سازنده این فیلم مهجور را با رسانه‌ها می‌توانید دنبال کنید.

■ فصل ابتدایی مرا به یاد زاگو ون دورمل و فیلم «آقای هیچکس» انداخت اما در فصل‌های بعدی به یک استقلال در فرم روایت رسیدید.

در ابتدا قرار نبود فصل پیش از تولد در فیلم وجود داشته باشد. این ایده بیشتر اشاره به داستان «تریسترام شدنی» از لورنس استرن دارد که به زیبایی و با زبانی طنز روایت می‌شود. از طرفی با توجه به اینکه در کشورمان مدارس سینمایی بزرگی وجود ندارد، یکی از موثرترین کارها برای آموزش سینما از طریق فیلم دیدن حاصل می‌شود و این ناخودآگاه در نگره فیلمسازی تاثیر خواهد گذاشت اما به هیچ وجه عامدانه به سمت این کار نرفتم.

■ راوی در همان ابتدا مخاطب را به مشارکت در تصویرسازی می‌خواند و این پیش‌آگاهی به‌عنوان شرطی پذیرفته‌شده در مواجهه با فیلم «۳۱۶» قلمداد می‌شود.

یکی از مسائلی که در سینمای جدی دنبال می‌شود، مشارکت دادن مخاطب با اثر بوده که از راه‌های مختلفی می‌توان آن را فراهم کرد.

■ که در تئاتر با فاصله‌گذاری‌های «بکت» و در سینما در آثار گدار هم به این نزدیکی با تماشاگر رسیدیم. همین‌طور است اما سینمای ایران، عادت به نگفتن دارد تا از طریق برخی نشانه‌ها، تماشاگر را به سمت فیلم بکشاند. ما در فیلم «۳۱۶» این مشارکت را برای مخاطب عام هم در نظر گرفتیم تا این دسته از مخاطبان هم بیایند و دست به همراهی با اثر بزنند. قرار ما این بود که به تماشاگر بگویم براساس تصویری که از جهان پیرامون و افراد مختلف آن‌جا، تصویرسازی کند و براساس نگاه خود، شکل و شمایل کاراکترهای فیلم را بسازد.

■ این مساله هم در این فیلم وجود دارد. دلیل اینکه موارد دیگری مدنظر تان بود؟

من همیشه به این فکر می‌کردم که چگونه می‌توان با توجه به قوانین شرعی و عرفی که در کشورمان وجود دارد و به آن اعتقاد هم داریم، فیلمی را کامل و به دور از هر گونه محدودیت ظاهری ساخت تا هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک باشد. این بخشی از ورود به این نوع روایت بود. بعد به طرحی رسیدیم که روایتی مبتنی بر کفش‌ها داشت و ما از این طریق می‌توانستیم وارد دنیای شخصیت‌های مختلفی شویم.

■ اولین جرقه این ایده از کجا در ذهن تان نقش بست؟

یک روز در مترو نشسته بودم که دیدم یک لطیف گسترده‌ای از کفش آدم‌ها کنار هم شکل گرفته و دیدم مقدر این نوع نگاه می‌تواند با خود حرف داشته باشد و به سمت پرداخت‌های زیبایی

در سینما برود. در فیلم «۳۱۶» ترکیبی از ژانرهای مختلف از فانتزی، کمدی، تراژدی و گونه‌های مستند را می‌بینیم که از این جهت هم پیشنهاد جدیدی در روایت‌پردازی است و نشان می‌دهد می‌توان تجربیات مفیدی در سینما داشت.

■ برای رسیدن به روایتی داستانی، بازه زمانی ۶۳ ساله‌ای را در ۱۰ فصل انتخاب کردید. چگونه به این شکل بیان رسیدید؟ من ایده را با حمیدرضا کشانی مطرح کردم و با توجه به اینکه سال‌های بسیار طولانی همدیگر را می‌شناختیم، به یک جمع‌بندی درباره نوشتن فصل‌ها و پرورش ایده اولیه رسیدیم. برای نگارش این فیلم خیلی با هم گفت‌وگو کردیم و حتی قرار بود از طریق یکی از شاهکارهای ادبی این ایده خود



فراخوان نگارش فیلمنامه برای ساخت آثار ارزشی

مدرسه سینمایی عمار (واحد تولید جشنواره مردمی فیلم عمار) قصد دارد به منظور دستیابی به فیلمنامه مناسب تولید و در راستای اولویت‌های خود و همچنین ایجاد فرصت برابر در استفاده از امکان تولید فیلمنامه‌ها و طرح‌های فیلمسازان، اولین فراخوان حمایت از نگارش و تولید فیلمنامه را بدین طریق اعلام کند. بنا به گزارش «وطن امروز»، جزئیات این فراخوان به شرح زیر است: بخش‌های فراخوان شامل طرح، سناریوس و فیلمنامه کامل بوده و قالب آن داستانی و شامل کوتاه، نیمه بلند و بلند خواهد بود. همچنین موضوعات فراخوان شامل:

- ۱- تاریخ معاصر ایران
- اتفاقات، وقایع و چهره‌های ایران از سال ۱۳۰۰ الی ۱۳۵۷
- اتفاقات، وقایع و چهره‌های ایران از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۹۴
- فعالیت‌های مردمی جنگ و انقلاب (پشت‌چپه و...)
- ۲- فتنه سال ۸۸
- ۳- اقتصاد مقاومتی
- مصرف کالای ایرانی
- مدیریت در عرصه تولید و اشتغال‌زایی
- ۴- انرژی هسته‌ای
- کاربردها
- تحریم‌های ظالمانه
- شدهای هسته‌ای
- اتفاقات و تاریخ صنعت هسته‌ای در ایران
- ۵- سبک زندگی
- نماز جمعه و مسجد
- ازدواج آسان و فرزندآوری
- نقد فرهنگ عمومی
- ۶- موضوع آزاد
- بخش ویژه
- طنز

طبق این اعلام، علاقه‌مندان می‌توانند آثار و ضمیمه رزومه خود را تا تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۹۴ به آدرس raahold@gmail.com ارسال کنند.

اجرای «هیچ کس نبود بیدار مان» کند» به غواصان شهید تقدیم شد

اجرای روز سه‌شنبه ۲۶ خرداد نمایش «هیچ کس نبود بیدار مان کند» به کارگردانی پیام دهکردی به یاد ۱۷۵ شهید غواصی به روح این شهدا تقدیم شد. به گزارش تسنیم، پیام دهکردی پس از اجرای سه‌شنبه‌شب گذشته، این شعر را خواند: «نه لب گشایدم از گل نه دل کنشد به نیند، چه بی‌نشاط بهاری که بربخ تو رسید/ نشان داغ دل ماست لاله‌ای که شکفت، تا سوگاری زلف تو این بنفشه دمید / گذشت عمر و به جان عشو می‌خریم هنوز، که هست از پی شام سیه صبح سپید...» وی در ادامه اجرای این نمایش را به روح «هرورادهای پارسی» تقدیم کرد و از تمام تماشاگران درخواست کرد به احترام این شهدا یک دقیقه سکوت کنند.

کامران نجف‌زاده «بادبگارد»ی شد

کامران نجف‌زاده مجری و خبرنگار با سابقه تلویزیون برای ایفای نقش در فیلم سینمایی «بادبگارد» تازه‌ترین اثر ابراهیم حاتم‌کیا به گروه تولید این فیلم پیوست. به گزارش «وطن امروز»، این نخستین تجربه حضور سینمایی کامران نجف‌زاده خواهد بود. وی در «بادبگارد» در نقش یک خبرنگار که رویترز واقعه خبری بسیار مهمی است جلوی دوربین ابراهیم حاتم‌کیا ظاهر خواهد شد. همچنین به تازگی دروش ارجمند نیز به لیست بازیگران این فیلم اضافه شد. پیش از این هم حضور پرویز پرستویی، مرلیلا زارعی، امیر آقایی، فرهاد قائمیان، محمود عزیزی، پنهوش طباطبایی و دیبا زاهدی در این اثر قطعی شده بود.

ساخت مجموعه‌ای از زندگی قهرمانان المپیک در شبکه مستند

مجموعه «قهرمانان» با نگاهی مستند به فعالیت‌های ورزشی و زندگی ورزشکاران کشورمان که در سطح المپیک افتخار آفرین بوده‌اند، در شبکه مستند سیما تولید می‌شود. به گزارش تسنیم، پناهر خدا رضایی، تهیه‌کننده مجموعه «قهرمانان» گفت: این مستند که در حال حاضر مراحل تحقیق را سپری می‌کند به زندگی ورزشکارانی می‌پردازد که در مقاطع مختلف بین‌المللی و المپیک افتخار آفریده‌اند و ویژه ورزشکارانی که از مبارزه با ریزیم صهیونیستی سر باز زده‌اند. رضایی ادامه داد: «قهرمانان» یک مجموعه پرتره‌نگاری و شخصیت‌محور است که با روایتی مستند زندگی و فعالیت‌های ورزشی سوزه‌هایش را تصویر می‌کند.